

نامه به رئیس قوه قضائیه در اعتراض به تعطیلی ۱۶ روزنامه

آیت‌الله جناب آقای سید محمود هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

بعد از سلام و دعای موفقیت در جلب رضای حق و خدمت به ایران و اسلام و اجرای عدالت قضایی • همان طور که مستحضر هستید شانزده روزنامه یومیه و هفتگی و دوهفتگی، بدون رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی و هیچ یک از مقررات قانون مطبوعات همزمان به دستور شعب مختلف دادگستری، به طور بی‌سابقه‌ای تعطیل شده‌اند •

نهضت آزادی ایران، به استفاده از این رویه نوظهور برای تعطیلی روزنامه‌های مستقل و هوادار اصلاحات به شدت اعتراض و درخواست رفع توقیف غیرقانونی آنان را می‌نماید •
قضات محترم شعب دادگستری در تعطیلی این روزنامه‌ها، بعضاً به قوانینی استناد کرده‌اند که در رابطه با نحوه رسیدگی به اتهامات مطبوعات هیچ موضوعیت ندارند:

۱- استناد به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی • در این بند چنین آمده است: «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین»، اما در همین اصل ۱۵۶ آمده است که «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل»، یعنی بایستی مستقل از قوای مقننه و مجریه و یا هر مقام و نهاد و قدرت دیگری به وظایف قانونی خود عمل نماید • در همین اصل آمده است که قوه قضائیه «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی» و «مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» است •

در بند ۲ همین اصل ۱۵۶ آمده است که وظیفه قوه قضائیه: «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است • در بند ۳ اصل ۱۵۶، نظارت بر حسن اجرای قوانین از وظایف این قوه تصریح شده است •

اکنون سؤال اساسی این است که قضات محترم بدون توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون مطبوعات، چگونه دست به چنین اقدام بی‌سابقه‌ای زده‌اند • اصل ۱۶۸ قانون اساسی صراحت دارد که: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد •»

هیچ دادگاهی به اتهامات فرضی مطبوعات توقیف شده رسیدگی ننموده است و حکمی صادر نگردیده است • چگونه یک قاضی به خود اجازه داده است این چنین صریح و روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی را زیر پا بگذارد؟ آیا این است مفهوم احیای حقوق عامه یا نظارت بر حسن اجرای قوانین (موضوع بندهای ۲ و ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی)؟

قضات محترم برای تعطیلی روزنامه‌ها به ماده ۱۳ قانون اقدامات تامینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹

استناد نموده اند. اولاً این قانون در دوران استبداد سلطنتی، یعنی ۷ سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ و درست در آغاز جنبش روحانیت و فعالیت علنی احزاب و سازمان‌های سیاسی ملی و حرکت روحانیان به تصویب رسیده است. استناد به چنین قانونی در شان قضات قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد. ثانیاً این قانون در اصل به منظور مقابله با جنایت‌کاران و آدم‌کشان حرفه‌ای بوده است، نه مطبوعات. نه در زمان طاغوت و نه در طی بیست سال گذشته هیچ‌گاه از این قانون برای مقابله با مطبوعات استفاده نشده است. ثالثاً ماده یک همین قانون تصریح می‌دارد که اجرای حکم جز در مورد مکررین جرم ممنوع است.

اما در ماده ۱۳ مورد استناد، چنین آمده است:

«اشیایی که آلت ارتکاب جرمی بوده و یا این که در نتیجه جرم حاصل شده باشد، در صورتی که وجود آنها موجب تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی و یا آسایش مردم باشد بر حسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آنها صادر می‌شود ولو آن که هیچ‌کس را نتوان تعقیب و یا محکوم نمود. دادگاه حق دارد دستور دهد که اشیای ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده و یا آنها را نابود نمایند.»

آیا روزنامه‌ها اشیا و آلت ارتکاب جرم هستند؟ یا در نتیجه جرمی به وجود آمده‌اند؟ آیا دادستان چنین درخواستی از دادگاه جنحه داشته است؟ چرا دادگاه جنحه در این قانون مسئول رسیدگی است؟ آیا در جمهوری اسلامی، رسیدگی به جرایم مطبوعات در صلاحیت دادگاه‌های جنحه است؟ آیا اختیارات قاضی معادل اختیارات دادگاه است، که بتواند بدون احضار متهمان و استماع نظرات و مدافعات آنان، به صرف نظر و رای خود عمل نماید؟

بر فرض که استناد قاضی محترم به بند ۵ اصل ۱۵۶ و ماده ۱۳۰ قانون مصوب ۱۳۳۹، پذیرفته شود؟ آیا فقط روزنامه‌ها و آن هم یک گروه از روزنامه‌ها، مسئول جو ملتهب کنونی می‌باشند؟ آیا وظیفه قانونی تحقق بخشیدن به عدالت و گسترش عدل قوه قضاییه ایجاب نمی‌کرده است که روزنامه‌های غوغاسالار، هتاک و توطئه‌گر نیز مشمول این ابتکار جدید می‌شدند؟ آیا تبلیغ خشونت از بلندگوهای رسمی، دعوت و تشنج مردم به کشتن مخالفین، در هر کجا که یافته شوند، از مصادیق تشویش اذهان و مخل نظم عمومی و آسایش مردم نمی‌باشد؟ و نباید متوقف گردد؟

قاضی محترم شعبه دیگری در دادگستری برای تعطیل همزمان روزنامه‌ها به موادی از قانون مطبوعات استناد کرده است که هیچ ارتباطی به موضوع ندارد.

جناب آقای هاشمی شاهرودی

همه این تخلفات در زمانی صورت گرفته است که مقام محترم رهبری هم با صراحت دست زدن به هر گونه عمل غیرقانونی را محکوم دانسته‌اند.

نهضت آزادی ایران به حساسیت اوضاع سیاسی کشور، به خصوص بعد از انتخابات مجلس ششم واقف است. التهاب و حساسیت کنونی از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در انتخابات مجلس ششم جناح یا جریانی که اکثریت را در مجلس داشته، شکست خورده است و جناح و جریان دیگری اکثریت آرای مردم را

به دست آورده است. طبیعت نظام‌های جمهوری و مردم‌سالار و قبول رای مردم به عنوان میزان در اداره امور مربوط به خودشان و جابه‌جایی نیروهای حاکم در چارچوب قانون اساسی رویه‌ای جاری در این‌گونه نظام‌ها است. نمی‌توان پذیرفت که «میزان رای مردم است» اما به شرطی که مردم تنها و همیشه به یک گروه یا جناح رای بدهند.

از طرف دیگر مشارکت گسترده مردم و رای آنان در این انتخابات، در واقع رای مثبت دیگری به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی محسوب می‌گردد که باید از آن استقبال کرد و این سرمایه عظیم را حفظ نمود. نمایندگانی که انتخاب شده‌اند همگی از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند. جناح و جریانی هم که اکثریت را به دست آورده است معتقد به نظام و متعهد به قانون اساسی است. پس نگرانی از کجاست؟ آیا مجلس آینده می‌تواند و یا چنین نظری را دارد که مصوبات مجلس را بدون تایید شورای نگهبان به اجرا بگذارد؟ آیا مگر اختلاف‌نظر میان مجلس و شورای نگهبان سابقه ندارد و قانون اساسی تکلیف نهایی آن را توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام معین نکرده است؟

در این صورت نگرانی علاقه‌مندان و دلسوزان آینده نظام جمهوری اسلامی و تمامیت قانون اساسی از چه چیزی است؟

جناب آقای هاشمی شاهرودی

به عنوان رئیس قوه قضائیه از شما درخواست می‌نمایم موج فتنه را خاموش سازید. تعطیلی سریع، گسترده، بی‌سابقه و گزینشی روزنامه‌های مستقل و اصلاح‌طلب که همزمان با بازداشت روزنامه‌نگاران و به دنبال ترور مشاور سیاسی رئیس جمهور و در آستانه مجلس ششم و سفر رئیس جمهور کشورمان به آلمان صورت گرفته است، حتی اگر دلایل و استنادات قانونی موجهی هم داشته باشد، جمهوری اسلامی را با بحران جدیدی روبرو ساخته است که اگر به سرعت چاره‌اندیشی نشود، خدای ناکرده سرنوشت مبهمی را برای کشورمان در پی خواهد داشت.

اعتراض نهضت آزادی ایران صرفاً بر سر بستن این یا آن نشریه نیست، سخن ما بر سر درستی و نادرستی روش‌های به کار گرفته شده توسط مطبوعات (اعم از اصلاح‌طلب یا تندرو، چپ یا راست) نیست، بلکه سخن ما بر سر استفاده از شیوه‌های نادرست و غیرقانونی برای مقاصد سیاسی یک جریان خاص می‌باشد.

اتخاذ و اعمال این روش، کشورمان را با یک بحران جدیدی روبرو ساخته است. بی‌تردید جمهوری اسلامی با مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای روبروست. حل این مشکلات، نیاز به درایت و تدبیر، خویشتن‌داری و همکاری‌های طولانی و همه‌جانبه دارد. خطای اساسی در این است که مطبوعات را، خواه اصلاح‌طلب یا محافظه‌کار و تندرو، ریشه اصلی و عامل مشکلات بدانیم. بدتر از این خطا آن است که تصور شود با تعطیل یک جانبه و یک طرفه روزنامه‌های یک جریان و جناح و یا حتی کسب اکثریت در مجلس و یا از دست دادن آن می‌توان مشکلات را حل کرد. این نگرش و اعمال این رویه تنها موجب افزایش دامنه مشکلات و پیچیدگی‌های بیشتری می‌گردد.

بر این اساس است که نهضت آزادی ایران صمیمانه درخواست می‌نماید از اختیاراتی که قانون اساسی به جناب‌عالی به عنوان رئیس قوه قضائیه داده است استفاده نمائید و این روند ناسالم را متوقف سازید تا

رسیدگی به اتهامات وارده به نشریات در یک فرایند قانونی امکان‌پذیر گردد. اصل ۱۶۱ قانون اساسی، دیوان عالی کشور را مسئول نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم «براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید» نموده است.

جناب آقای هاشمی شاهرودی

سخنان جنابعالی مبنی بر اجرای برنامه توسعه قضایی و انجام اصلاحات در ساختار و قوانین جاری قوه قضائیه در راستای اجرای اصول قانون اساسی و تامین حقوق اساسی ملت ایران بارقه‌های امیدی به اصلاح و استقلال قوه قضائیه در افکار عمومی در پی داشته است. اما اقدامات واحدهای قضایی زیر نظر قوه قضائیه به ویژه اقدامات دادگاه‌های مطبوعات و توقیف خلاف قانون ۱۶ نشریه اخیر با برنامه‌ها و سخنان جنابعالی هماهنگی ندارد. نهضت آزادی ایران انتظار دارد با استفاده از اختیارات رئیس قوه قضائیه از این‌گونه اقدامات خلاف قانون و خلاف مصالح ملی جلوگیری نمائید و هشدار الهی را که فرموده است: «و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه» (انفال - ۲۵) در این خصوص مورد توجه قرار دهید.

نهضت آزادی ایران